

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

در این شب و روز مضامین زیادی درباره ماه محرم و خاصاً دهم محرم در سایتهای مختلف به چشم میخورد. همه تلاش نموده اند از زوایای مختلف به ابعاد مختلف این رویداد تاریخی یعنی روز عاشورا بنگرند. تعدادی از نویسندگان به خرافاتی اشاره نموده اند که با تاسف در برخی جاها همراه با مراسم بزرگداشت از روز عاشورا صورت میگیرد. در مضمونی که میخوانید نویسنده آن به این خرافات اشاره نموده کوشیده است تا آنها را ریشه یابی نماید.

با اتحاف دعا به روح پاک حضرت امام حسین (رض) و همه شهدا کربلا و به امید فرارسیدن روزیکه قادر شده باشیم هر آنچه خرافات است را از دین مقدس اسلام دور سازیم.

رهگذر

برگرفته از سایت تعبد (شناخت طریقه مسلمانی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و بشما دستور نمیدهد که فرشتگان و پیغمبران را ارباب خود بگیرید. آیا شما را به کفر دستور میدهد
آنها بعد از اینکه تسلیم خدا (مسلمان) شدید؟!

عزاداری در ایران به شکل دستجات و مراسم خاص و تعزیه خوانی و به سر و سینه زدن پیشینه باستانی و افسانه ای دارد. در این پیشینه ما سوگ سیاوش را داریم که الهه سبزینه به حساب می آمد. از منظر مردم آن زمان این الهه که در تابستان یا پائیز میمرد و این امر موجب عدم رویش گیاه در دو فصل زمستان و پائیز می گردید. اما در فصل بهار بار دیگر سیاوش زنده می شود و به دنبال آن گیاهان نیز رشد می کنند. به همین دلیل مردم در ایران باستان قبل از بهار بر مرگ سیاوش به شکل دستجات و هیأت های بزرگ، عزاداری می کردند و می گریستند و بر گریستن نیز تأکید بسیار داشته اند و آن را موجب رضایت و برکت از سوی الهه ها می دانستند و در این میان گریه زنان از امتیاز بیشتری برخوردار بوده است. دلیل این عزاداری و گریستن جلب نظر ایزد بانوی باران بوده است تا او نیز بر سوگ سیاوش بگرید تا با گریه او باران و برکت بر زمین نازل شود. زیرا تنها عامل زنده شدن سیاوش همین گریه ایزد بانوی برکت بوده است که با گریستن او سیاوش و به دنبال او سبزینه رشد می کرده است. زنان در این ایام بر سر خود گل می مالیدند و محافل عزای زنان بر پا می

کردند این مراسم گریستن به جهت نزول باران تا اواخر خرداد ادامه داشته است اما پس از آن قطع می شده زیرا بارش پس از این زمان موجب ضایع شدن محصول می گشته است. لذا می توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ عزاداری و گریستن در ایران باستان عملی عبادی در راستای جلب برکت و توجه مردگان اسطوره ای که تبدیل به الهه ای تمام عیار در ذهن مردم شده بودند، بوده است، از این روست که شبیه این مراسم تنها با تغییر نامها همچنان در میان مردم ایران زمین در سوگ مردگان تاریخی شان به شکل مفصل اجرا می شود.

اما سیاوش برای مردم ایران باستان تنها نمادی از یک الهه اسطوره ای نبود بلکه در ورای نام سیاوش داستان و افسانه ای وجود داشت که به وسیله آن مردم مراسم سوگ و ماتم خود را توجیه و رنگ و بوئی مذهبی می دادند، نمونه هایی از این افسانه های تخیلی که موبدان و رهبران مذهبی دین زرتشت آن را در بین مردم تبلیغ می کردند را می توانیم در شاهنامه ببینیم. داستان سیاوش در بین افسانه های شاهنامه ملغمه ای از چند داستان تاریخی مذهبی می باشد. مثل اینکه خود شخصیت سیاوش خیلی شبیه به یوسف پیامبر است. از نظر زیبا رویی و نجابت و داستان عاشق شدن سودابه بر او که باز هم ما را یاد داستان زلیخا می اندازد و اثبات بی گناهی اش در رد شدن از شعله های آتش. کیکاووس هم مثل عزیز مصر نمی خواهد باور کند که زنش خیانت کار است. از منظر دیگر سیاوش نماد مظلومیت و بی گناهی است و اینکه خورش به ناحق توسط افراسیاب (به مانند آنچه که یزید کرد) ریخته می شود داستان عزای سیاوش خیلی شبیه به داستان عزای حسین می باشد. حتی هستند مؤرخینی که می گویند مراسم عاشورا و شام غریبان و عزاداری برای حسین شکل مذهبی شده همان مراسم مرگ سیاوش (سوشون) هست که در بین ایرانی ها قبل از اسلام هم رایج بوده است.

بعدها هم سیاوش بچه ای از خود به جا گذاشت به نام کیخسرو. کیخسرو که آن را صورت افسانه ای کورش بزرگ می دانند در ادب فارسی نماد انسان کامل و پیر و مرشدی است که جزو هفت تن جاویدانی محسوب می شود که بنابر سنت زرتشتیان روز رستاخیز به یاری سوشیانت، یعنی همان موعود آخر زمان، برمی خیزد و اهریمن و پلیدی را از پهنه زمین پاک می کند دقیقاً به مثل همان داستانی که در مورد قیام حسین به همراه مهدی در آخر زمان، نقل می شود.

عزاداری دسته جمعی و علنی، سنت ایرانیان باستان در سوگ سیاوش بود، که پس از اسلام تبدیل به عزاداری برای نوه دوم رسول الله گردید و چون سرزمین دیلم و طبرستان یعنی مازندران امروزی که زادگاه امیران آل بویه بود، خیلی دیر به دست مسلمانان فتح شد برای همین سنت هایشان که ریشه در فرهنگ قدیمی شان داشت در بعد از پذیرفتن اسلام در آداب و رسومشان ماندگار ماند. همچون رنگ سیاه پوشیدن در عزاداری، برای اعلام و نمایش عزادار بودن و ما حتی در ادامه داستان عاشوراها شخصیتی مانند رستم را هم می بینیم که اینبار به اسم مختار آمده که از شمر و عمر سعد و حمله انتقام بگیرد یعنی همان انتقامی که رستم در مرگ سیاوش از سودابه گرفت. ولی اسلام هرگز از هیچ شخصیتی حتی اگر کارهای بزرگی در جهت تعبد پروردگارش انجام داده باشد اسطوره ای ما فوق بشر نمی سازد. ابراهیم شخصیتی که در قران از او به کرات به خوبی یاد شده است ولی مشاهده می کنیم که وقتی ابراهیم به تاریخ می پیوندد تبدیل به مرده ای می شود که فرزندان یعقوب هرگز نباید او را بیشتر از آن چیزی که بوده تصور کنند.

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ - تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۴ - ۱۳۳ / البقره)

یا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید شاهد بودید؟ وقتی به فرزندان گفت بعد از من بندگی چه کسی را میکنید؟ گفتند خدای واحد را که معبود تو و پدران ابراهیم و اسمعیل و اسحاق است بندگی میکنیم. و ما

تسلیم او (مسلمان) هستیم آنها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند، هر کاری کردند مال خودشان است و آنچه شما میکنید مال شما است و درباره کارهایی که آنها میکردند از شما بازخواست نمیشود.

پس اگر ابراهیم خوب بود ما تنها اجازه داریم که از خوبی های که مطمئنیم مربوط به اوست و نه به دروغ به او منتسب کرده اند سرمشق بگیریم و نه اینکه او را مبدل به الهه و اسطوره ای افسانه ای برای خود بنمائیم و همچنین اگر در واقعه ای که منتسب به عصر عاشورای سال ۶۱ هجریست درس آموزنده ای وجود دارد باید آن را به تجربه خود تبدیل کنیم و از آن در جهت رسیدن به راه درست و مستقیم استفاده کنیم . استقامت در برابر هر ظالمی حتی اگر لباس دین دارای و امیر المؤمنی مسلمانان را بر تن کرده باشد و یا پایندی به آداب دین و حفظ اسلام حتی به بهای ریختن خود و عزیزان خود درس عاشورا و قیام حسین است ولی اینکه ما بیائیم حسین را تبدیل به سیاوشی دیگر کنیم و از او یک موجود نیمه خدائی بسازیم هرگز با آن ارزشهایی که حسین برای آن به خون خود غلتید و به شهادت رسید ، همخوانی و مطابقتی ندارد .